

رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان

عادل/خبرگزاری آران
محمد قربانی استاد دانشگاه

در سال های دهه 1950، دیوید بن گوریون رهبر اسرائیل در صدد بود تا یک اتحادیه خاورمیانه ای غیر عربی شامل ترکیه، اتیوپی، ایران و اسرائیل به وجود آورد. این تلاش در نهایت به دلیل سقوط شاه ایران به شکست انجامید.

در منطقه قفقاز جنوبی و در شمال رود ارس، کشوری به نام جمهوری آذربایجان وجود دارد. این کشور، روزگاری جزو قلمرو سرزمینی ایران بوده است که در نتیجه بی تدبیری حاکمان قاجار از ایران جدا گشته و سالها تحت لوای تزارهای روسیه و پس از آن نیز به عنوان یکی از جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی تحت سیطره ی بی چون و چرای حکومت کمونیستی مسکو قرار داشت.

سرزمینی که امروزه جمهوری آذربایجان نام گرفته است در اثر جنگ های روسیه و ایران؛ طی قراردادهای گلستان در سال 1813 و ترکمنچای در سال 1828 از ایران جدا و ضمیمه روسیه گردید و برای نخستین بار پس از سقوط امپراتوری روسیه در سال 1917 و با روی کار آمدن بلشویک ها؛ با استفاده از خلاء قدرت و با کمک ترک های عثمانی موفق شد در سال 1918 حکومتی تحت عنوان جمهوری آذربایجان را تشکیل دهد. این حکومت در سال 1920 از سوی روسیه لغو و قلمرو آن در داخل اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت که تا سال 1991 یعنی تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به حیات خود ادامه داد. در سال 1991 در کنار دیگر جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی آذربایجان نیز اعلام استقلال کرده و به عنوان کشوری مستقل به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. (1)

پس از فروپاشی شوروی در سال 1991 میلادی، کشورهای جدیدی به عرصه حیات سیاسی در محیط بین الملل قدم نهادند که تجربه چندانی برای فعالیت در عرصه های منطقه ای و جهانی نداشتند و این نکته زمینه ای برای متمایل شدن این کشورها به دیگران و نیز توجه دیگر قدرت ها به این جمهوری های نوظهور شد و رقابت نانوخته ای میان قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای برای نفوذ در این جمهوری های تازه استقلال یافته شکل گرفت.

در این میان رژیم اشغالگر قدس نیز تلاش های گسترده ای برای نفوذ اقتصادی و سیاسی در این مناطق آغاز کرد و جمهوری آذربایجان را به عنوان یکی از مناطق اصلی برای فعالیت خود در این جمهوری های تازه استقلال یافته انتخاب کرد. این کشور نیز که از لحاظ اقتصادی توسعه یافته نبود، از همکاری با رژیم اشغالگر قدس استقبال کرد و در گذر زمان، خاندان علی اف این رژیم را به عنوان متحدی استراتژیک برای جمهوری آذربایجان پذیرفت.

تلاش های رژیم اشغالگر قدس برای نفوذ در مناطقی دیگر غیر از فلسطین اشغالی، اقدامی مسبوق به سابقه است. در سال های دهه 1950، دیوید بن گوریون رهبر اسرائیل در صدد بود تا یک اتحادیه خاورمیانه ای غیر عربی شامل ترکیه، اتیوپی، ایران و اسرائیل به وجود آورد. این تلاش که «استراتژی پیرامون» نامیده می شد در نهایت به دلیل سقوط شاه ایران در اواخر دهه 1970 به شکست انجامید. (2)

این نکته نشان دهنده این مطلب است که رژیم اشغالگر قدس همواره به دنبال یافتن جای پایی در منطقه برای افزایش نفوذ خود و نیز یافتن متحدان جدید در منطقه بوده است که در نتیجه شکست در طرح قبلی خود به دنبال آلترناتیو های جدیدی در منطقه بوده و می باشد و فروپاشی شوروی فرصت تازه ای برای اینگونه اقدامات در اختیار این رژیم قرار داد تا بتواند با استفاده از خلأ ایجاد شده پس از سقوط شوروی، به نفوذ در جمهوری های سابق این کشور بپردازد. رژیم اشغالگر قدس حتی قبل از فروپاشی شوروی آغاز به برقراری تماس با مناطق قفقاز و آسیای مرکزی کرده بود تا بتواند آنها را تحت حوزه نفوذ خود در آورد.

در رابطه با نفوذ اسرائیل در آذربایجان این نکته را نیز نباید فراموش کرد که آذربایجان به خاطر کمبود منابع مالی، فرصتی کاملاً آماده برای اسرائیل بود. زیرا اسرائیل آماده بود تا حجم قابل توجهی از منابع مالی را در این جمهوری صرف کند و مسئولان این جمهوری نیز مترصد فرصت هایی این چنینی بودند تا خلأ منابع مالی ناشی از عدم حمایت روسیه را بتوانند به نحوی پر کنند. رژیم صهیونیستی در دسامبر سال 1991 میلادی، استقلال جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و در آوریل سال 1992 روابط جمهوری آذربایجان با این رژیم آغاز شد.

آمریکا همواره یکی از تسهیل کنندگان امور برای رژیم اشغالگر قدس در عرصه های گوناگون بوده است و مسأله نفوذ اسرائیل غاصب در آسیای مرکزی و قفقاز نیز از این قاعده مستثنا نیست. در اوت 1992، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل پروژه مشترکی را در این جمهوری ها ارائه دادند که در آن آمریکا مخارج مالی لازم را تامین می کرد و اسرائیل غاصب انتقال تکنولوژی در عرصه های خاص دیگر را بر عهده داشت. رژیم اشغالگر قدس تلاش کرده است تا تهدید بنیادگرایی اسلامی را جایگزین خطر سرخ سابق کند. در این رابطه به نظر می رسد که در بوق و کرنا کردن تهدید بنیادگرایانه اسلامی بر آسیای میانه (و قفقاز) جلب نظر عموم در غرب و به ویژه آمریکا را هدف قرار داده است. همان طور که بر همه آشکار است، رژیم های غربی به شدت طرفدار جوامع غیر مذهبی (سکولار) هستند. خلأ قدرت در آسیای مرکزی (و قفقاز)، اسرائیل را تشویق کرده است تا شیوه های غربی حکومت را در این کشور ها گسترش دهد. (3)

شاید یکی دیگر از دلایل آذربایجان در نزدیکی به رژیم صهیونیستی را بتوان در رقابت آذربایجان با رقیب دیرینه اش یعنی ارمنستان دانست. ارمنه صاحب لابی قدرتمندی در کنگره آمریکا هستند. این لابی همواره درصدد بهره گیری از نفوذ خود در ایالات متحده به نفع ارمنستان و علیه آذربایجان است. لذا آذربایجان به دنبال این است تا جایگزینی در برابر این گونه اقدامات ارمنه داشته باشد فلذا تکیه به لابی صهیونیسم را به عنوان فرصتی برای خود در مقابله با ارمنستان قلمداد می کند. به همین خاطر جمهوری آذربایجان فرصت های متعددی را برای حضور رژیم صهیونیستی در داخل خاک خود فراهم می کند.

حجم روابط اقتصادی جمهوری آذربایجان با رژیم اشغالگر قدس به حدی است که این رژیم بعد از ایتالیا دومین وارد کننده نفت از این جمهوری می باشد. و اخیراً نیز قراردادی یک میلیارد و ششصد میلیون دلاری بین آذربایجان و رژیم صهیونیستی در زمینه امور نظامی منعقد شده که بر اساس آن، این رژیم مبادرت به فروش هواپیماهای جاسوسی پیشرفته و نیز سیستم های دفاع ضد موشکی به جمهوری آذربایجان کرده است.

تندروی های الهام علی اف در حفظ رابطه با رژیم اشغالگر قدس به حدی است که وی از هر فرصتی برای نشان دادن دوستی خود با این رژیم استفاده می کند. که آخرین مورد آن را می توان پیام تبریک علی اف به شیمون پرز به مناسبت سالگرد تاسیس این رژیم دانست. علی اف واقعات را به حدی رسانده است که در پیام تبریک خود این گونه می گوید: جناب آقای رئیس جمهور، از طرف خود و ملت جمهوری آذربایجان! روز استقلال کشورتان را به شما و مردم اسرائیل تبریک گفته و امیدوارم بسط و توسعه مناسبات، روابط دوستانه و همکاری بین جمهوری آذربایجان و اسرائیل، همواره بر اساس منافع ملت های دو کشور تداوم یابد. برای شما آرزوی تندرستی و توفیق در امور محوله، برای ملتتان صلح و رفاه را آرزومندم. (4)

حساب قاطبه مردم جمهوری آذربایجان را از رهبران این جمهوری باید جدا دانست. مردمی که دارای دین، مذهب و فرهنگ مشترک با برادران ایرانی خود هستند و بازی های سیاسی آنها را در چنگال نوکران غرب گرفتار کرده است. منطقه آذربایجان تا پیش از عهدنامه های ترکمنچای و گلستان جزء ایران بوده است. اشتراکات تاریخی با سرزمین مادری موجب شده است که مشارکت های تمدنی میان این دو کشور همچنان به قوت خود باقی بماند. 105 سال حاکمیت تزارها و 78 سال حاکمیت کمونیستها هیچ یک نتوانست فرهنگ ارتدوکسی و یا ایدئولوژی کمونیستی را جایگزین تفکر اسلامی در این منطقه نماید.

ادبیات سوزناک «جدایی» (آبرلیق) که شاعرانی همچون الماس ایلدیریم، اسماعیل حکمت، حسین جاوید، صمد ورقون، سلیمان رستم، داداش آذراوغلو، بختیار نقاب، زاده، علی توده، حبیب زارع، سمند قراچورلو، محمد آراز و مرحوم شهریار پدید آوردند، در سوگ جدایی از ایران اشعار بسیار زیبایی را در خود دارد. (5) که نشان دهنده علاقه مردم آذربایجان به ایران اسلامی است. همچنین بعد از فروپاشی شوروی، اقدامات غربگرایانه و ضد ایرانی حاکمانی مانند ابوالفضل ایلچی بیگ، حیدر علی اف و الهام علی اف نتوانسته مردم جمهوری آذربایجان را از یاد و عشق به سرزمین مادریشان ایران دور بدارد.

لذا شایسته است با توجه به پیوندهای فراوان فرهنگی و اعتقادی مردم جمهوری آذربایجان با ایران و علاقه فراوان مردم این جمهوری به سرزمین ایران، مسئولان با اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب به دنبال کنار گذاشتن بازیگرانی مانند رژیم اشغالگر قدس باشند و با ایفای نقش ارزنده توسط ایران، بتوان از فرصت‌های موجود در جمهوری آذربایجان بهره گرفت. نباید از یاد برد که آذربایجان دومین کشور شیعه جهان است. اگر چه در قانون اساسی جمهوری آذربایجان، حکومت این کشور غیر دینی نامیده شده است، اما نود درصد مردم آذربایجان مسلمان و از این میان حدود هفتاد درصد شیعه می‌باشند. (6)

هیأت حاکمه این کشور، کاملاً در راستای سکولاریزه کردن جامعه جمهوری آذربایجان حرکت می‌کند و همواره با تندترین روشها به دنبال اسلام زدایی در این جمهوری است. که آخرین نمونه آن برگزاری مسابقات یوروویژن در باکو پایتخت این جمهوری است که طی آن در بخشی از این مسابقات رژه همجنس بازان برگزار شد. که هدف آن تبلیغ ازدواج همجنس بازان در آذربایجان است. این اقدام را به نوعی می‌توان تکمیل پازل اسلام زدایی در این کشور مسلمان به حساب آورد که قطعاً شعله ور شدن اعتراضات بیش از پیش مردم این کشور را به دنبال خواهد داشت. و الهام علی اف باید متوجه این نکته باشد که در کشوری حکمرانی می‌کند که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند و ادامه روند فعلی اسلام زدایی در جمهوری آذربایجان، سرنوشت وی را مشابه افرادی مانند محمد رضا پهلوی، حسنی مبارک، بن علی و... خواهد کرد. /ع

پی نوشتها:

1. صیدی، مظفر، «عوامل ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار 1388، شماره 65
2. بولنت ارس. مترجم حمید احمدی، «استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، زمستان 1378، شماره 20
3. همان، ص 67
4. به نقل از خبرگزاری فارس 1391 / 2 / 9
5. صمدل، ف، «تأسیس، مانگاه نظام، ام‌کا د، آذربایجان، امنیت جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات راهبردی، تابستان 1379، شماره 9
6. همان، ص 63